

بررسی مبانی فقهی و حقوقی امکان مطالبه خسارت مازادبردییه در قانون بیمه اجباری*

مهدی قائمی^۱

هرمز اسدی کوه باد^۲

چکیده

بررسی مبانی امکان مطالبه خسارت مازاد بردییه در قانون بیمه اجباری یکی از مباحث مهم و تاثیر گذار حقوقی کنونی است، دیه نه صرفا مجازات است و نه صرفا پرداخت خسارت بلکه ماهیتی تلفیقی دارد و راه حل مطالبه خسارت مازاد بردییه این نیست که از راه ماهیت دیه آن را اثبات کنیم، ماهیت آن هر گونه تعبیر شود در این پژوهش مبنا و مقدمه ی استدلال برای اثبات نظریه ی مختار نیست بلکه خسارت مازاد بر دیه با اتکا بر نهادهای مهم و مسلم دیگری چون قاعده ی تسبیب و قاعده لاضرر بررسی می شود که مستند قانونی مطالبه خسارت مازاد بردییه موضوع قانون بیمه اجباری ماده ۱۰ همان قانون می باشد که با لفظ به طور کلی بدان اشاره کرده است و همچنین پایان تبصره ۲ ماده ۴ قانون که صراحتا مبلغ مازاد بردییه تعیین شده از سوی محاکم قضایی رابه عنوان بیمه حوادث محسوب نموده و قابل مطالبه می داند. در خصوص مبنای مطالبه خسارت مازاد بردییه در قانون بیمه اجباری بایستی خاطر نشان نمود که واجد مبنای قانونی می باشد و صرفا مبتنی بر قرارداد و اصل حاکمیت اراده نیست. از این رو بر پایه روش توصیفی داده های تحقیق با فن کتابخانه ای کاویده می شود.

کلیدواژه ها: دیه، قانون بیمه اجباری، مطالبه خسارت مازاد بر دیه، تسبیب، لاضرر.

* تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۰

۱- دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه حقوق، اصفهان، ایران (نویسنده مسول).

۲- دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه حقوق، اصفهان، ایران. asadi.koohbad@gmail.com

مقدمه

به حکم عقل و تاکید شریعت اسلام، جان انسان مصون و محفوظ از هرگونه تعدی و تجاوز می باشد. لذا اگر فردی خواسته یا ناخواسته ضرری به جسم و جان دیگری وارد نماید ملزم به پرداخت خسارت و حتی تدارک خسارات به زیان دیده می باشد. دیه و به عبارت دیگر مقادیر دیه در قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است ولی برخی از فقها بر اساس مبانی فقه پژوهی خود بر این باورند که مطالبه خسارت مازاد بر دیه امکان پذیر نیست و در شرع پذیرفته نشده است زیرا که دیه مطابق قانون پیش بینی شده است و پرداخت آن کفایت جبران ضرر زیان دیده را می کند پس چه لزومی دارد که خسارت مازاد بر دیه نیز پرداخت گردد ولی برخی دیگر به قواعد فقهی استناد نموده اند که حکایت از امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه دارد. در خصوص جبران خسارات بدنی افراد از طرفی با قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و قانون مدنی مصوب ۱۳۱۱ مواجه ایم که در این قوانین با وجود تفاوت هایی که دارند، جبران خسارت متضرر به طور کامل پیش بینی شده است. از طرفی دیگر در قانون مجازات اسلامی برای صدمات بدنی، مقدار دیه برای همه افراد و در همه شرایط به طور یکسان پیش بینی شده است. با توجه به اینکه در قانون مسئولیت مدنی و قانون بیمه اجباری پیش بینی گردیده است که تماماً هدف جبران خسارت زیان دیده را دنبال می نمایند در باره ی این موضوع سوالاتی در ذهن پدیدار می گردد که برای رسیدن به مبنای قانونی جهت امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه در قانون بیمه اجباری مساعدت می نماید؛ ماهیت دیه چیست؟ چه خساراتی را می توان مازاد بر دیه مطالبه نمود؟ در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری شخص ثالث چه تمهیداتی در خصوص مطالبه خسارت مازاد بر دیه پیش بینی شده است؟ مبانی فقهی و حقوقی در خصوص مبنای مطالبه خسارت مازاد بر دیه چیست؟

ماهیت حقوقی دیات

در خصوص ماهیت دیه میان نظریه پردازان حقوقی و فقهی اختلاف نظر وجود دارد، از این رو سه دیدگاه عمده پدید آورده است:

۱_ دیه صرفاً یک مجازات مالی است.

دیدگاه اول در خصوص ماهیت دیه آنست که دیه کیفری است که برای جانی پیش بینی گردیده است؛ از آن رو که دیه برای تنبیه جانی بوده است مجازات محسوب می گردد ولی در پاسخ به این ادعا می توان گفت آیا هر تنبیهی یک مجازات محسوب می شود یا خیر نیاز به اثبات دارد پس چگونه می توان به دلیلی استناد نمود که اثبات قانونی آن مشکل است. و گروهی دیگر نیز معتقدند (صالحی، ۱۳۷۸، ص ۴۵) که چون دیات در ردیف حدود، قصاص و تعزیرات به کار رفته پس باین استدلال در زمره مجازات قرار می گیرد در پاسخ به این گروه می توان گفت که صرف اینکه گروهی از علماء دیه را در ردیف سایر مجازات ها قرار می دهند دلیل بر مجازات بودن دیه ندارد زیرا علمایی دیگری همچون شهید ثانی دیه را با سایر مجازات ها در کنار یکدیگر به کار نمی برند. اگر دیه را در عرف عام در نظر بگیریم دیه یک مجازات اطلاق می گردد زیرا در میان عامه مردم رایج است که دیه جنبه مجازاتی برای جانی دارد ولی در عرف خاص دیه برای جبران خسارت زیان دیده پیش بینی شده است.

دوم: دیه فاقد ماهیت کیفری است بلکه صرفاً جبران خسارت است.

برخی براین باورند که دیه فاقد ماهیت کیفری است بلکه صرفاً جبران خسارت است. (مرعشی، ۱۳۷۹، ۴۲ و صانعی، ۱۳۸۲، ۳۳۴) دیه صرفاً جهت تدارک خسارت زیان دیده پیش بینی شده است که به معنی علیه (زیان دیده) و اولیای وی وارد می آید این گروه از علماء براین عقیده اند که درجانیات مختلف اعم از عمدی در صورتیکه معنی علیه یا اولیای وی به پرداخت دیه توافق کنند، پرداخت آن از سوی محکوم علیه به منزله پرداخت خسارت می باشد و همچنین قابل تعمیم است درجانیات شبه عمدی و خطای محض که در آنها دیه به عنوان محکومیت اصلی در نظر گرفته شده است. مهمترین استدلال این گروه از علماء این است که چرا درجانیات خطایی محض، دیه توسط عاقله پرداخت می گردد، درحالی که عاقله مرتکب جنایتی نشده است و این مخالف اصل شخصی بودن مجازات هاست، پس نتیجه می گیریم دیه مجازات صرف نیست و الا باید توسط خود مجرم پرداخت می شد. لازم به ذکر است همین موضوع در عقود بیمه اجباری جاریست مبنی بر اینکه بیمه گر موظف است کلیه خسارات بیمه گذار را تادیه نماید. درحالیکه بیمه گر هیچ نقشی در ایجاد خسارت نداشته است. یکی دیگر از دلایل مجازات نبودن دیه آن است که در برخی موارد جانی علاوه بر پرداخت دیه، به کیفر نیز می رسد. نظیر ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی که جانی را علاوه بر پرداخت دیه محکوم به حبس نیز می نماید.

سوم: دیه ماهیتی تلفیقی دارد.

گروهی براین عقیده اند که "دیه نه صرفاً مجازات است و نه صرفاً پرداخت خسارت" بلکه ماهیتی تلفیقی دارد. بدین صورت که دیه بدلیل اینکه در قانون مجازات اسلامی هم ردیف سایر مجازات قرار گرفته است، نوعی مجازات است و همچنین با پرداخت مبلغ مشخصی که در قانون پیش بینی گردیده است، از عهده خسارات وارده به معنی علیه برمی آید (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ش. ۶۲). از این روبا عنایت به پیشرفت جوامع امروزه قانون بیمه اجباری مطابق قراردادی که بین بیمه گرو بیمه گذار منعقد می گردد چنین تکلیفی را بر عهده دارد. در این بین علاوه بر خسارتی که از سوی جانی به معنی علیه وارد می شود و با پرداخت مبلغ دیه جبران می گردد، چه راه حلی برای پذیرفتن خسارات مازاد بر دیه وجود دارد؟ دو بحث وجود دارد. کسانی که می گویند خسارت مازاد بر دیه قابل وصول است، دو راه را می پیمایند. یک راهش با اشکال مواجه است و یک راه هم قابل دفاع است. راهی که با اشکال مواجه است، می گوید دیه یک نوع خسارت است که در زمان های گذشته اگر کسی به دیگری آسیب وارد می کرد خرج درمان آسیب دیده می شد و هزینه درمان بیشتر از آن میزان نمی شد. اما در زمان ما چون خرج درمان بیشتر شده، خسارت بیشتری باید گرفته شود. یعنی می گویند خسارات مازاد بر دیه از این راه قابل وصول است که در ماهیت دیه بحث کنیم و بگوییم جبران خسارت است. بنابراین خسارت هر مقدار که شد اعم از این مقدار که شرع مشخص کرده یا این مقدار که شرع مشخص نکرده است. ایراد این راه حل این بود که اگر قایل به این باشیم که ماهیت دیه جبران خسارت است، خیلی وقت ها خسارت کمتر از دیه است. در برخی موارد باید بگوییم طرف مازاد را پس بدهد. معنی علیه پس بدهد و یا در خسارت کمتر از دیه بگوید، فقط دیه را به اندازه خسارت بدهد. در حالی که هیچ کدام از طرفداران این نظریه، چنین حرفی نزده اند.

اماره حل دوم این است که دست روی ماهیت دیه نگذاریم و بگوییم ماهیتش هر چه هست، باشد و کاری به آن نداشته باشیم بلکه خسارت مازاد بر دیه را از باب تسبیب و قاعده لاضرر بگیریم. فرض کنید با تصادف دست و پای کسی بشکند. غیر از اینکه باید دیه دست و پای طرف را پرداخت، باید خسارت شیشه ای که شکسته و ماشینی که آسیب دیده را هم پرداخت

کرد. اینها که ربطی به دیه ندارد. همانطور که اصل دیه باید پرداخت شود، اینها هم باید پرداخت شود. به نظر می آید از این راه می شود خسارات مازاد بردیه را اثبات کرد، بدون اینکه ما در ماهیت دیه دست ببریم. مجنی علیه متحمل خسارات دیگری نیز می گردد. چه خساراتی را می توان مازاد بر دیه مطالبه نمود؟

یکی از نکات مهمی که در این زمینه بدان توجه نموده این است که چه خساراتی را زیان دیده متحمل می شود که مبلغ دیه کفایت پرداخت آن را نمی کند. نظر به قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ در مواد قانونی ۱،۲،۵،۶ چند موردی از این گونه خسارت ها که قابل مطالبه می باشند ذکر نموده است که ذیلاً "بدان آنها اشاره می گردد:

۱) ضرر معنوی (۲) هزینه های معالجه (۳) هزینه های از کار افتادگی دائم و موقت (۴) افزایش مخارج زندگی

مهمترین خسارتی که می توان آن را در ردیف خسارت های فوق الذکر به کار برد. خسارت ناشی از عدم النفع است بدین صورت که در پی صدمات مصدوم ممکن است برای مدت کوتاه یا طولانی از کاریا فعالیت بازماند و اجرت منافع کاری این مدت را که به طور منطقی و عقلی تحصیل می نمود «منافع محقق الحصول» از دست بدهد (وحدتی شبیری، ۱۳۹۰). مستند قانونی خسارت ناشی از عدم النفع تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی می باشد. البته در ماده اشاره گردیده است که خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست ولی با شرطی که اشاره گردید. قابل درک است که این گونه خسارت را می توان مطابق ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری از موارد خسارت های خارج از بیمه نامه ذکر نمود. جواز دریافت تمامی خسارت های فوق الذکر را با ذکر یک مثال به طور مختصر به شرح ذیل می توان بیان نمود: شخصی دارنده وسیله نقلیه موتوری می باشد که با این وسیله نقلیه مسافر کشی نموده و کسب عایدی می کند، ولیکن طی یک حادثه رانندگی با وسیله نقلیه دیگر دچار بیماری قطع نخاع به طور موقت و سوختگی صورت و دست هایش میگردد، دارنده وسیله نقلیه دیگر مقصر محسوب می شود و با عنایت به غیر عمدی بودن سوانح رانندگی محکوم به پرداخت دیه می گردد ولیکن در این میان زیان دیده متحمل خسارت های می گردد که مبلغ دیه کافی برای پرداخت آن نمی باشد، نظیر هزینه های بیمارستان تا بهبودی کامل، هزینه های از کار افتادگی موقت و یا حتی دائم، هزینه های معنوی نظیر رنجشگی که بر اعضاء خانواده تحمیل می گردد و همچنین کسر زیبایی ناشی از صدمه جسمانی و تفویت لذات وابسته به آن، قابل درک است که پرداخت دیه توسط بیمه گر کفایت خسارت های وارده به مجنی علیه را نمی کند. مطمئناً سوالی بر ذهن متبادر می شود مبنی بر اینکه آیا این گونه خسارت ها قابل مطالبه هستند؟ برای مطالبه خسارت های مازاد بردیه در قانون بیمه اجباری چه تمهیداتی در نظر گرفته شده است؟

در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری شخص ثالث چه تمهیداتی در خصوص مطالبه خسارت مازاد بردیه پیش بینی شده است؟

صراحتاً در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری صحبت از جبران خسارت های خارج از شرایط بیمه نامه شده است که در ماده ۷ همان قانون استثنائاتی نیز قید گردیده است، گویا منظور مقنن همان جبران خسارت های مدنظر ما می باشد. استدلال نگارنده این است که در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری لفظ «به طور کلی» قید گردیده است و منظور از به طور کلی خسارت های مازاد بردیه بوده که صراحتاً ذکر نگردیده است، فلذا بادر نظر گرفتن ماده ۱۰ قانون بیمه و با عنایت به لفظ «به طور کلی» می توان استنتاج نمود که بیمه گر ملزم به جبران کلیه خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهد بود که شامل تمام خسارت های نامبرده در گفتار دوم خواهد شد و در گفتار بعدی بیشتر بدان اشاره خواهد گردید.

مبانی فقهی و حقوقی مطالبه خسارت مازاد بر دیه چیست؟

بانگاهی گذرابه قواعد فقهی و موازین حقوقی قابل درک است، که در همه اینها تاکید شدیدی بر جبران خسارت گردیده است و تاکنون هیچ ضرر مالی وجود نداشته که جبران نشده باشد چون مورد بحث ما مطالبه خسارات مازاد بر دیه در قانون بیمه اجباری می باشد و در تبصره ۳ و ۴ ماده یک قانون بیمه اجباری صریحا خساراتی رایبان نمودند که قانون بیمه اجباری متعهد به پرداخت آنها شده است. تکلیف سایر خسارات که در قانون پیش بینی نشده چیست؟ برای جبران این گونه خسارات باید چه کرد؟ آیا مبنای قانونی بر جبران این گونه خسارات وجود دارد؟

از مطالب گذشته بدست آمده که نهاد دیه تاسیس ویژه است و نمی توان آن را الزاما مجازات کیفری و یا فقط جبران خسارت مدنی دانست. ولی ویژگی جبران خسارت همیشه در آن وجود دارد دلیلی که برای جواز مطالبه خسارت مازاد بر دیه می توان ذکر کرد به شرح ذیل است:

(۱) مواد ۱، ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی :

به موجب مواد مذکور، کلیه زیان هایی که به شخص واردمی شود باید جبران شود و هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند. از این رو، اگر دیه ای که به شخص پرداخت می شود کافی برای جبران زیان های وارده به او نباشد عامل زیان باید بقیه ضرر را با توجه به مواد فوق جبران نماید. همانطور که صریحا در ماده یک قانون مسئولیت مدنی اشاره گردیده هر کس مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد بدین نحو که عمل انجام شده بدون مجوز قانونی بوده حال چه به صورت عمدی بوده باشد یا در نتیجه بی احتیاطی حاصل آن ورود خسارت و ضرر و زیان به جان یا سلامتی یا حتی حیثیت و شهرت تجارتنی نیز می باشد البته مقنن اشاره کرده هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده است. همانطور که در فوق اشاره گردید هر گونه ضرر مادی و معنوی را شامل می شود. با کمی تامل قابل درک است که غایت مقنن از تدوین این ماده صرفا جبران خسارات به نفع زیان دیده است. در ماده دو همان قانون مطالبه خسارت ناشی از عمل غیر را منوط به ثبوت خسارت وارده به زیان دیده و نسبت آن با عامل زیان در محکمه دانسته است. حسب همین ماده در ماده سه این قانون دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را تعیین خواهد کرد. نحوه تعیین خسارت با توجه به اوضاع و احوال قضیه توسط دادگاه امکان پذیر است.

(۲) قاعده لاضرر

از جمله قواعدی که در تعدیل یا تکمیل نصوص شرعی کاربرد موثر دارد واحکام فرعی فراوانی از آن متفرع شده است. قاعده لاضرر و یا نفعی ضرر است (حیدری، ۱۳۸۸).

فقها بحث های خود را فقهی و حقوقی و مواد متعددی از قانون مدنی ایران را تشکیل داده است و قانون گذار ایران، این قاعده را در قانون مدنی مبنای بسیاری از مواد قرار داده است. نظیر ماده ۶۵ قانون مدنی، ماده ۱۱۴ ق.م. ماده ۱۱۲ ق.م و غیره، لذا قانون گذاری ایران مواد مذکور را به منظور جلوگیری از حکم ضرری و منع سواستفاده از حق وضع نموده است. در مورد معنی قاعده لاضرر، عمدتا بر تفسیر عبارت (لاضرر ولاضرار) متمرکز ساخته اند.

(۳) رأی مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه

اداره حقوقی قوه قضائیه در یک نظر مشورتی به استناد این قاعده مهم اظهار داشت: "با توجه به قواعد لاضرر، نفی حرج و تسبیب چنانچه محرز شود در اثر عمل جانی خسارتی بیش از دیه یا ارزش برمجی علیه وارد شده است، از جمله مخارج معالجه و مداوا، تا بدانجا که مطالبه آن از جانی که مسبب ورود خسارت بوده است، منع شرعی و قانونی ندارد.

۴. قاعده نفی حرج

نفی حرج به معنای نفی ضیق و تنگی است و مقصود از آن نفی هر گونه حرج خارجی است. به این معنا که هیچ کس نباید عملی را بردیگری تحمیل کند که او را در تنگنا قرار دهد... حتی شارع و قانونگذار نیز نمی تواند چنین کند. از این رو، اگر کسی خسارت مالی یا بدنی بر کسی وارد آورد و از عهده خسارت وارده بر نیاید او را در معرض ضیق و تنگی قرار داده است و این از نظر شارع ممنوع است. در موردی که خسارت وارده بیش از میزان دیه باشد، مجنی علیه در صورتی از ضیق و تنگنا خارج می شود که تمام خسارت او جبران شده باشد یعنی، جانی علاوه بر دیه باید خسارت مازاد بر آن را نیز جبران نماید. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی خود یکی از دلایل قابل مطالبه بودن خسارت مازاد بر دیه را قاعده نفی حرج اعلام کرده است (اصغری آقمشهدی، جعفری، ۱۳۸۲).

۵. قاعده تسبیب

یکی دیگر از ادله جواز مطالبه خسارت مازاد بر دیه قاعده تسبیب است. به موجب قاعده در اتلاف شخص مستقیماً و بالمشافه باعث اتلاف مالی می گردد، ولی در تسبیب عمل مسبب مع الواسطه سبب می شود که مال غیر از بین برود. در مورد سبب گفته شده هر چیزی که از وجودش وجود دیگری لازم نیاید ولی از عدمش عدم دیگری لازم بیاید. در تسبیب عمل شخص مستقیماً و مباشرتاً مال دیگری را از بین نمی برد بلکه رابطه بین عمل شخص و تلف مال بدین گونه است که اگر آن عمل واقع نشود تلف مال نیز اتفاق نمی افتد. (محقق داماد، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷) عامل زیان باید خسارتی را که خود سبب آن بوده است جبران نماید (ماده ۳۳۱ قانون مدنی). وقتی جانی خسارتی را وارد می کند که پرداخت دیه آن را جبران نمی کند از آنجاکه خود سبب این خسارت بوده است، باید آن را جبران نماید. اداره حقوقی قوه قضائیه در رأی مشورتی و هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی اصراری خود با استناد به قاعده تسبیب مطالبه خسارت مازاد بر دیه را مجاز اعلام کرده اند.

۶. بنای عقلا

منظور از بنای عقلا این است که هر گاه امری مورد پذیرش تمام عقلا قرار گیرد شارع نیز که خود رئیس عقلا است آن را می پذیرد. تردیدی نیست که عقلا هنگامی که شخصی به فردی زیان میرساند او را ملزم به پرداخت تمام خسارت وارده می دانند و از این رو، اگر پرداخت دیه تمام خسارت وارده به مجنی علیه را جبران نکند، جانی به حکم بنای عقلا باید بقیه آن را جبران نماید و اگر بخواهیم به نظرات فقها استناد کنیم قابل درک است که تمام خسارات حتی مازاد بر دیه قابل جبران است ولی اگر بخواهیم به نظرات مراجع تقلید استناد نماییم خسارات مازاد بر دیه قابل جبران نیستند زیرا مراجع گرانقدر معتقدند با پرداخت دیه از سوی جانی همه خسارات جبران می شوند پس لزومی ندارد مازاد بر دیه مبلغی مجدداً پرداخت گردد. ولیکن قابل فهم است که درجایی که دیه کفاف همه خسارات را ندهد، مقدار مازاد از باب تسبیب و قاعده لاضرر قابل مطالبه است. البته نظر فقهای معاصر را می توان به سه دسته تقسیم کرد (وحدتی شبیری، ۱۳۹۰):

دسته اول: عدم امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه است مطلقاً، خواه هزینه معالجه یا خسارت از کار افتادگی و یا غیر اینها. به گونه ای که از نظر شارع همه خسارات با پرداخت مبلغ دیه جبران می شود و اثبات خلاف هم امکان پذیر نیست. با توجه به تبصره ۳ ماده یک این نظر پذیرفته نمی باشد زیرا که صراحتاً در ماده یک هزینه از کار افتادگی چه به صورت جزئی و کلی و چه به صورت دائم و موقت در خصوص موضوع این قانون قابل مطالبه می باشد و همچنین در تبصره ۲ ماده ۴ قانون بیمه اجباری مبلغ مازاد بر دیه تعیین شده از سوی محاکم قضائی، به عنوان بیمه حوادث محسوب می گردد. قابل نتیجه گیری می باشد که چون قانون گذار خسارات مازاد بر دیات را در زمره حوادث بیمه قرار داده است که بتوان آن را مطالبه نمود.

دسته دوم: معتقدند که تنها هزینه های معالجه قابل مطالبه است ولی هیچکدام از این گروه ها گویی از مطالبه خسارت عدم النفع نامی نبردند و مشهور فقها آن را در زمره خسارت از کار افتادگی می دانند و آن را غیر مطالبه می دانند. در حالیکه خسارت عدم النفع به دو دسته تقسیم می گردد:

الف) خسارت عدم النفع محقق الحصول:

بدین صورت که در پی خسارت جانی مصدوم ممکن است برای مدت کوتاه یا طولانی از کار یا فعالیت باز ماند و اجرت منافع کاری این مدت را که به طور منطقی و قطعاً تحصیل می نمود «منافع محقق الحصول» گویند مثلاً همان مسافرکشی که در اثر سانحه رانندگی و آسیب جدی خودرو برای مدتی نمی تواند از خودروی خود استفاده منفعتمندی کند منفعتی که اگر چنین حادثه ای رخ نمی داد قطعاً حاصل می گردید.

ب) خسارت عدم النفع محتمل الحصول:

عبارت است از منفعتی، که هرگاه فعل معینی موجود نمی شد، احتمال داشت که عاید طرف گردد. مثلاً نظر به مثال فوق راننده خودرو آسیب دیده ادعا کند امروز قصد داشتم که بعد از امرار معاش با خانواده به مسافرت مشهد مقدس برای شفای فرزند بیمارم بروم و با تصادفی که رخ داد نتوانستم به مسافرت بروم و یا با ذکر مثال دیگر: توزیع کننده روزنامه، روزنامه ای که در آن اعلان مزایده ملکی درج شده است رابه مشترک آن روزنامه رسمی نمی رساند و او در مزایده شرکت نمی کند، مشترک روزنامه پس از اطلاع بر این امر علیه توزیع کننده اقامه دعوی خسارت می نماید مبنی بر اینکه اگر روزنامه زودتر به دست من می رسید بنده در مزایده برنده می شدم.

بیان این نکته ضروری است که در قابل مطالبه یا نبودن عدم النفع، محل بحث خسارت عدم النفع محقق الحصول است نه عدم النفع محتمل الحصول، زیرا در مطالبه عدم النفع بایستی بین فعل و تقویت منفعتم رابطه سببیت وجود داشته باشد کما اینکه فعلی صورت می گیرد ولی سبب تقویت منفعتم نمی باشد (مزروعی، ۱۳۹۱).

دسته سوم: معتقدند خسارت وارده غیر از دیه است، گویی نهاد حقوقی دیه صرفاً برای مجازات مجرم و آرامش خاطر مجنی علیه پیش بینی شده است و در مقام جبران خسارت نیست. بنابراین جانی علاوه بر پرداخت دیه بایستی هر گونه خسارتی که شرعاً و قانوناً قابل مطالبه است را به مجنی علیه بپردازد.

فوق الذکر نظر فقها در خصوص مطالبه خسارت مازاد بر دیه مورد بررسی قرار دادیم، لیکن سوال مهمی که قابل طرح است این است که آیا در قانون بیمه اجباری مطالبه خسارت مازاد بر دیه پیش بینی شده است؟

در پاسخ به سوال لازم به ذکر است در ماده ۴ قانون اصلاح بیمه اجباری صریحا در تبصره ۲ اشاره گردیده است که بیمه گرموظف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان دیدگان را بدون لحاظ جنسیت ومذهب تاسقف تعهدات بیمه نامه پرداخت نماید. مبلغ مازاد بر دیه تعیین شده از سوی محاکم قضایی، به عنوان بیمه حوادث محسوب میگردد. از ماده ۴ خواهد فهمید که در قانون بیمه اجباری چنین خسارتی تحت عنوان بیمه حوادث قابل مطالبه است. و اما در خصوص بیمه حوادث در ماده ۱ قانون بیمه اجباری صریحا اشاره گردیده است که کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی وریلی اعم از اینکه اشخاص حقوقی ویا حقیقی باشند مکلفند وسایل نقلیه مذکور را در قبال خسارت بدنی ومالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور یا یکدک وتریلر متصل به آنها و یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد می شود حداقل به مقدار مندرج در ماده ۴ این قانون نزد یکی از شرکت های بیمه که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی ایران داشته باشد. بیمه نمایندند. و در تبصره ۵ همان ماده اشاره گردیده منظور از حوادث مذکور در این قانون، هرگونه سانحه ای از قبیل تصادم، تصادف، سقوط، واژگونی، آتش سوزی یا انفجار وسایل نقلیه موضوع این ماده ونیز خسارتی است که از محمولات وسایل مزبور به اشخاص ثالث وارد شود (باقری، ۱۳۸۸).

رابطه حقوقی حاکم بر بیمه شخص ثالث

همانگونه که در گفتار های پیشین گذشت اصل اجباری بودن بیمه شخص ثالث اصلی انکار ناپذیر است. اما نحوه اعمال آن چگونه و چه رابطه ای بر آن حاکم باشد (قراردادی یا قانونی) جای بحث است.

باعنایت به ماده ۲ قانون بیمه اجباری این ماده مبتنی بر قراردادی بودن بیمه اجباری شخص ثالث است، به همین دلیل دارندگان وسایل نقلیه را مکلف نموده که مسئولیت خود را بیمه نمایند. و ضمانت اجرای تخلف از آن را در ماده ۱۹ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری اشاره گردیده است بدین نحو که حرکت وسایل نقلیه موتوری زمینی بدون داشتن بیمه نامه موضوع این قانون ممنوع است. کلیه دارندگان وسایل مزبور مکلف اند سند حاکی از انعقاد قرارداد بیمه راهنگام رانندگی به همراه داشته باشند. ماموران راهنمایی رانندگی موظفند وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه موضوع این قانون تا هنگام ارائه بیمه نامه مربوطه در محل مطمئنی متوقف نموده و راننده متخلف را به پرداخت جریمه تعیین شده ملزم نمایند (طهماسبی، ۱۳۸۸). پس در اینجا روشن می شود که انعقاد قرارداد بیمه و مطالبه خسارت مازاد بر آن در قانون بیمه اجباری مستند به ماده ۲ موضوع بیمه اجباری مبتنی بر اصل حاکمیت اراده می باشد، که در مورد آن توضیح داده خواهد شد: منبع اصلی تعهدات را قرارداد تشکیل می دهد، قراردادها منبع اصلی تعهدات به شمار می آیند. کافی است که به قانون مدنی نظری اجمالی بیفکنیم، خواهیم دید که اکثر قوانین مدنی در خصوص قراردادهای باشد که بوسیله اراده متعاقبین تعهداتی از آن ناشی می گردد و تعهدات غیر قراردادی فقط در زمینه مسئولیت مدنی همچون: اتلاف و تسبیب وجود دارد. اصل حاکمیت اراده اقتضا می کند که در تفسیر قرارداد به هر آنچه طرفین خواسته اند توجه شود. الفاظ قرارداد تا حدی معتبرند که مبین اراده انشائی و باطنی طرفین باشد. اگر معلوم شود که مقصود طرفین غیر از آن چیزی است که طرفین خواسته اند در تفسیر قرارداد اراده انشائی طرفین ملاک و مقدم می باشد. بعد از انعقاد قرارداد در این موضوع بیمه، مقامات عمومی حق ندارند آثار قرارداد را تغییر دهند. قانون گذار نیز باید حتی الامکان، اراده طرفین قرارداد را محترم بشمارد. فقط طرفین قرارداد هستند که با اراده یکدیگر می توانند آثار قرارداد را تغییر دهند این خود قرارداد جدیدی است که بر مبنای اصل حاکمیت اراده منعقد می گردد. برای کارآمدتر شدن طرح بیمه اجباری به نظرمی

رسد رابطه قانونی بر بیمه اتومبیل حاکم باشد، یعنی خود به خود تمامی اتومبیل ها به صرف تحویل از کار خانه و یا ورود به کشور و مورد استفاده قرار گرفتن مشمول بیمه شخص ثالث قرار بگیرند. بدیهی است که با تحت پوشش قرار گرفتن اتومبیل ها نرخ بیمه کاهش می یابد و همچنین خسارت دیدگان حادثه با اعسار عامل زیان مواجه نمی گردند. همچنین مشکلات ناشی از قصور و کوتاهی دارندگان اتومبیل در بیمه نمودن وسایل نقلیه خود که گاهی موجب فلاکت و درماندگی آنها می شود دیگر وجود نخواهد داشت. اگر بیمه نمودن اتومبیل هارا قانون بیمه اجباری نمی نمود و دارندگان وسایل نقلیه موتوری و سایر دارندگان موضوع ماده ۱۷ را در بیمه نمودن مختار می کرد، زیان دیدگان سوانح رانندگی و حتی عاملان زیان در پرداخت خسارت دچار وضع نابسامانی می گردیدند. که با ضمانت اجرایی که فوق الذکر بدان اشاره گردید از این اختیار جلوگیری جدی نموده است و اماد مورد نحوه پرداخت و مطالبه خسارت ناشی از حوادث رانندگی در قانون بیمه اجباری ماده ۱۶ و ۱۷ قانون به طور مختصر اشاره گردیده است. مطابق ماده ۱۶ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری در حوادث رانندگی منجر به صدمات بدنی غیر از فوت بیمه گروسیله نقلیه، مسبب حادثه و یا صندوق تامین خسارت های بدنی حسب مورد موظفند پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و در صورت لزوم گزارش سایر مقامات انتظامی و پزشکی قانونی بلافاصله حداقل ۵۰٪ از دیه تقریبی را به اشخاص ثالث زیان دیده پرداخت نموده و باقی مانده آن را پس از معین شدن میزان قطعی دیه بپردازد. مطابق ماده ۱۷ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری در حوادث رانندگی منجر به خسارت مالی، پرداخت خسارت به صورت نقدی و باتوافق زیان دیده و شرکت بیمه صورت می گیرد. در صورت عدم توافق طرفین در خصوص میزان خسارت قابل پرداخت، شرکت بیمه موظف است وسیله نقلیه خسارت دیده را در تعمیر گاه مجاز و یا تعمیر گاهی که مورد قبول زیان دیده باشد، تعمیر نموده و هزینه های تعمیر را تا سقف تعهد مالی مندرج در بیمه نامه مذکور پرداخت نماید. و مطابق تبصره ۲ ماده ۴ مبلغ مازاد بر دیه تعیین شده از سوی محاکم قضایی به عنوان بیمه حوادث محسوب و مطابق فوق قابل مطالبه می باشد.

نتیجه گیری

دیه نه صرفاً مجازات است و نه صرفاً پرداخت خسارت بلکه ماهیتی تلفیقی دارد و بهترین راه حل مطالبه خسارت مازاد بر دیه این است که دست روی ماهیت دیه نگذاریم و بگوییم ماهیتش هر چه که هست باشد و کاری به آن نداشته باشیم بلکه خسارت مازاد بر دیه را از باب تسبیب و قاعده لاضرر بگیریم. مستند قانونی مطالبه خسارت مازاد بر دیه موضوع قانون بیمه اجباری ماده ۱۰ همان قانون می باشد که با لفظ به طور کلی بدان اشاره کرده است و همچنین پایان تبصره ۲ ماده ۴ قانون که صراحتاً مبلغ مازاد بر دیه تعیین شده از سوی محاکم قضایی را به عنوان بیمه حوادث محسوب نموده و قابل مطالبه می داند. در خصوص مبنای مطالبه خسارت مازاد بر دیه در قانون بیمه اجباری بایستی خاطر نشان نمود که واجد مبنای قانونی می باشد و صرفاً مبتنی بر قرارداد و اصل حاکمیت اراده نیست.

فهرست منابع

- ۱- وحدتی شبیری، حسن، ۱۳۹۰ «مبنا و قلمرو خسارت مازاد بر دیه»، مطالعات اسلامی: فقه و اصول ۱: ۲۶۸-۲۴۷.
- ۲- اصغری آقمشهدی، فخرالدین، جعفری حمیدرضا، ۱۳۸۲ «مطالبه ی خسارت مازاد بر دیه»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۹: ۱۷-۱.
- ۳- حیدری، علی، ۱۳۸۸ «قابل مطالبه بودن خسارات مازاد بر دیه»، مجله تخصصی فقه مبانی حقوق واحد بابل، ۱۲۹-۱۱۴.
- ۴- طهماسبی، جواد، ۱۳۸۸ «گفتمان دامنه مسئولیت در قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۸۷»، ۶۳: ۶۸-۳۱.
- ۵- صالحی، فاضل، ۱۳۷۸، دیه یا مجازات مالی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۶- صانعی، یوسف، ۱۳۸۲، منتخب الاحکام، انتشارات میثم تمار.
- ۷- کانوزیان، ناصر، ۱۳۶۲، مسئولیت مدنی، انتشارات دهخدا.
- ۸- مرعشی، سیدمحمدحسن، ۱۳۷۹، دیدگاههای نودر حقوق کیفری اسلام، انتشارات میزان ج ۲.
- ۹- کانوزیان، ناصر، ۱۳۸۲، مسئولیت خاص دارنده اتومبیل در مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- خیراله زاده، فریدون، ۱۳۸۹، «دیه از نظر قانون مجازات اسلامی»، شورای حل اختلاف ۱۲۴۵ اهواز.
- ۱۱- مزروعی، جواد، ۱۳۹۱ «خسارت ناشی از عدم النفع»، سفیر قانون.
- ۱۲- باقری اصل، حیدر، ۱۳۸۸ «کاربرد قاعده لاضرر در قانون مدنی ایران»، فصلنامه علامه: ۲۳-۲.